**تنها وسیله سرگرمی او**

دلم برای این پیرمرد نابینا میسوزد.بیچاره از تماشای زیبائی‏های طبیعت محروم است.زندگانی در تاریکی و ناامیدی، رنج و بدبختی هرچند هم بادوام باشد چه فائده‏ای دارد؟دیگر این فلک‏زده بر اثر ضعف و سستی قادر براه رفتن نیست همیشه در گوشه‏ای نشسته منتظر است اجلش فرارسد و بعالم ابدی رهسپار گردد و از این عذابهای جسمانی و آلام نفسانی آسودگی و رهائی یابد.

«ارنست»نقاش معروف بلژیکی تصویری از او کشیده و برای اینکه تنها و بی مونس نباشد و حوصله‏اش سرنرود دختر هنرمند و مهربانش را کنارش قرار داده که با نوای ساز مشغول و سرگرمش کند.و حالا که حس باصره او از کارافتاده است لا اقل حواس دیگرش بهره‏مند شوند.

دخترک مثل این است که هیچوقت از پیش او تکان نمیخورد.گاهی آواز می خواند و با نغمه جانفزای ساز آنرا چاشنی میدهد.و زمانی دستهای لرزان او را میان دستهای نرم و ظریف خود گرفته برایش قصه میگوید.با گلاب‏پاشی که روی میز جلوش گذاشته است بصورت و محاسن سفیدش گلاب میپاشد...سروقت غذایش را میآورد و شرابش را هم در جام میریزد و نزدیک دهانش میبرد.

چه دلجوئی از این بهتر!

پیرمرد دیگر مجال ندارد که اندوهناک شود و غصه بخورد.

«ارنست»اسم این تابلوی نفیس را که یکی از گرانبهاترین نقاشیهای جهان بشمار میرود و تاکنون نتوانسته‏اند ارزشی برای آن قائل گردند«تنها وسیله سرگرمی او» گذاشته است.و حقا چه اسم خوبی است.آیا از این«سرگرمی»بهتر، آنهم برای مرد سالخورده‏ای که دو چشمش کور و پایش لب پرتگاه گور است در دنیا یافت می‏شود؟

میگویند اولاد چشم و چراغ پدر و مادر است.و این مثل در این تابلو کاملا صدق میکند.دختری دست از همه‏چیز بشوید و بتمام مزایای جوانی پشت‏پا زند و مجاورت و همنشینی پدرش را بر هر لذتی ترجیح دهد.این موضوعی است که قوه تخیل یک نقاش زبردست پرورش داده و در تابلوئی مجسم کرده است.وگرنه کمتر زنی پیدا میشود که خود را فدای افکار عالی و وجدان پاک کند.پدرش نابینا است، باشد. باو چه.

او زن است و باید دنبال هوسرانی‏های خود...گردشها و تفریحهای خود...و بالاخره لذتهای خود برود.کی گفته است او هم از همه چیز محروم شود.

منتها«ارنست»در این تابلوی جاویدان که ایده‏آلی بیش نیست خواسته است روح ملکوتی خود را نشان بدهد و بفهماند که در دنیامیان جنس لطیف افرادی هم هستند که خویشتن را فدای سعادت و آرامش دیگران بکنند.

غالبا اشخاص مریض و بدبخت مصدر الهام نقاشان و مجسمه‏سازان بوده‏اند و این طبقه هنرمند از زندگی آنان موضوعی برای آثار خود انتخاب کرده‏اند.در موزه های مهم اروپا مخصوصا موزه لوور و واتیکان و کتابخانه سلطنتی هلند و همچنین موزه بریتانیا تابلوها و مجسمه‏های فراوانی از اشخاص کور، چلاق و مریض مشاهده می شود...اما این تابلوی«تنها وسیله سرگرمی او»اثر ارنست بلژیکی از همه ممتازتر است.